



## سر نوشت تلویزیون در دست مردم!

**این سریال موفق شد که توجه نسل جوان را به خود جلب کند؛ چیزی که این روزها کمتر اتفاق می افتد. به نظر شما چه عاملی در رخداد این اتفاق مهم تاثیر گذار بود؟**

به اعتقاد من یکی از بهترین مبلغان برای هر اثر نمایشی نوجوانان و جوانان جامعه هستند. اثری که بتواند نظر این قشر از جامعه را به خود جلب کند شاید بتوان به نوعی موفق دانست. نوجوان و جوان هم زمانی به یک اثر جذب شده و نسبت به داستان آن توجه نشان می دهد که بتواند خودش را در قصه پیدا کند. نمی خواهیم از لغت همذات پنداری استفاده کنیم. در واقع منظور ما این است که وقتی در بستر یک قصه خوب، نوجوان یا جوان مسائل، معضلات و چالش های خودش را پیدا می کند با داستان اثر همراهی می شود.

**کارا کتر شما در این مجموعه شخصیتی خاکستری داشت. با این که نقشی خاکستری را ایفا کنید مشکلی نداشتید؟**

در ابتدا و در متن فیلمنامه کاراکتری که من ایفاگر نقش آن بودم، شخصیتی سفید داشت، اما وقتی با محمدرضا خردمندان، کارگردان کار به بحث و تبادل نظر پرداختیم، به این باور رسیدیم که برای باور پذیری هر چه بهتر و بیشتر نقش منصور بهتر است آن را در قالب کاراکتری خاکستری ارائه دهیم چون اغلب شخصیت های واقعی در جامعه نیز شخصیتی خاکستری و پیچیده دارند. در نتیجه ما از این شخصیت کاملایی تقصیری و محق بودن راسلپ کردیم و احساس گرایی افراطی و عصبانیت را چاشنی احساسات درونی این کاراکتر کردی.

**فکر می کنیم این نقش به دلیل مختصات سنی اش از شخصیت واقعی شما و تجربه های زیسته تان دور باشد. خودتان با کاراکتر منصور چه قدر احساس نزدیکی می کردید و ایفای چنین نقشی برایتان با چالش همراه نبود؟**

از آن جایی که این کاراکتر پانزده ساله با من اختلاف سنی داشت، پذیرفتن این نقش از روز اول برایم با چالش همراه بود. از همان ابتدا تصمیم گرفتم به چشم چالشی به این نقش نگاه کنم که در آخر تبدیل به نقطه ای خاص در کارنامه هنری ام خواهد شد و فکر می کنم در نهایت هم این اتفاق افتاد. در فصل های پیش، این کاراکتر پانزده ساله از من کوچک تر است و بعد در فصل چهارم به بیست سال بزرگ تر از من می رسد و عروس و نوه دارد؛ چیزی که بسیار از تجربیات زیسته من دور بود، اما اعتقاد این است که اگر بازیگر هستیم باید قدرت نزدیک شدن به هر نقشی را داشته باشیم و از پس ارائه اش بر بیاییم چون اصلا تعریف بازیگری نزدیک شدن به کاراکترهایی است که شخصیت واقعی بازیگر نیستند.

**محمدرضا خردمندان در جایگاه یک کارگردان چگونه برای ارائه بهتر این نقش به شما کمک می کرد و شیوه هدایت بازیگرش به چه شکل بود؟**

این سریال اولین تجربه همکاری من با محمدرضا خردمندان بود. البته از قبل فیلم سینمایی او را دیده بودم و می دانستم که آر تیست و کار بلد است. بعد از شروع همکاری نیز بین ما رفتاری شکل گرفت که در روند و پیشبرد کار کمک کننده شد. از همان ابتدا نیز با صحبتی که داشتیم تکلیف مان درباره شخصیت منصور مشخص شده بود در نتیجه هدایت این کارگردان به هنگام ایفای نقش برای من در حد یک روتوش کلی و یا ارائه نظراتی بود که به بیان شخصیت پردازی کاراکتر کمک می کرد. باید بگویم تجربه همکاری ام با محمدرضا خردمندان بسیار شیرین بود و در قامت کارگردان بازیگر را آگاهانه هدایت می کرد.

**بعد از اتمام کار وقتی به بازی خود نگاه می کنید نقطه ضعف هایی را در بازی حس می کنید یا از نتیجه نهایی رضایت دارید؟ بازی در کدام بخش برای شما چالش بیشتری به همراه داشت؟**

وقتی بعدا به نتیجه کلی کار نگاه می کنی همواره نظرات و پیشنهادهای دیگری برای خودت داری و این اتفاقی طبیعی است. اما فکر می کنم توانستم برای ایفای نقش شخصیت منصور نمره قبولی را بگیرم. من همواره می گویم در رزومه کاری ام فیلم بد هست اما بازیگری بد نیست، چون با تمام دل و جان و حواسم کار می کنم. «از سر نوشت» هم برایم تجربه فوق العاده ای بود... و اما سکانسی که در این مجموعه بیشتر من را درگیر کرد جایی بود که شخصیت منصور در هتل به پای بازیگر مقابل می افتد. در آن لحظه سقوط عجیبی را در شخصیت منصور شاهد هستیم به همین دلیل بازی کردنش برای من بسیار هیجان انگیز بود و کمی اضطراب هم داشتیم که نکند خوب از آب در نیاید که خدارا شکر همه چیز عالی پیش رفت.

**به نظر شما تولید آثار با کیفیتی چون «از سر نوشت» تا چه میزان قابلیت افزودن به تعداد مخاطبان رسانه ملی را دارد؟**

امیدوارم قصه های خوبی در تلویزیون ساخته شود و مردم به تماشای آن ها بنشینند. قطعاً تلویزیون مخاطبان خود را دارد اما وقتی حتی به دروغ هم می شنویم که دیگر مردم پای تلویزیون نمی نشینند حال بدی وجودمان را فرامی گیرد. چنین جمله ای حتی اگر شناسی هم باشد آزار دهنده است و امیدوارم کارهای خوبی در این رسانه تولید و پخش شود.

**در انتظار ساخته شدن فصل پنجم این مجموعه باشیم؟**

در حال حاضر به ساختن فصل پنجم این سریال فکر نمی کنیم. هدف ما این است که خاطره خوبی از این سریال در ذهن مردم ثبت شود و فکر می کنیم تا امروز هم توانسته ایم به این مهم دست پیدا کنیم. البته باید بگویم که فصل چهارم سریال «از سر نوشت» از دید من فصل دوم این سریال تلقی می شود زیرا مادر ابتدا قصه های ۵۲ قسمتی داشتیم که در سه فصل کودکی، نوجوانی و جوانی روایت می شد. بعد از ساخت این قصه، پیشنهاد فصل بعدی به ما شد. خروجی آخرین فصل هم به اعتقاد من به گونه ای بود که اگر مخاطب قسمت های قبلی کار را ندیده باشد بدون احساس غریبگی به تماشای مجموعه بنشیند. در واقع مسئله درام در آخرین فصل از ابتدا آغاز می شود.

مجید واشقانی در فصل چهارم سریال «از سر نوشت» جایگاه مطلوبی را از نگاه مخاطبان به دست آورد. جایگاهی که بخشی از آن به تجربه و توان این بازیگر برمی گردد و بخشی به تعامل با خالق این مجموعه تلویزیونی. او در گفت و گو با صبا، از تعامل با محمدرضا خردمندان برای ترسیم یک کاراکتر خاکستری سخن گفته است.

**فصل چهارم سریال «از سر نوشت» موفق شد که در جایگاه یکی از پربیننده ترین مجموعه های تلویزیونی قرار بگیرد. چه عاملی به نظر شما به دیده شدن هر چه گسترده تر این اثر کمک کرد؟ خود شما انتظار این حجم از مخاطب را داشتید؟**

قطعاً دیده شدن کاری که برای به ثمر نشستن آن تلاش بسیاری انجام شده است، جای خوشحالی دارد زیرا این خیلی مایوس کننده است که برای ساخت مجموعه ای اثری صرف شود اما نتیجه مورد رضایت مخاطب قرار نگیرد. یکی از دلایل اقبال مخاطب نسبت به این مجموعه تلویزیونی، تعدد قسمت ها و فصل های این سریال بود که به درستی قصه گویی می کرد. در واقع «از سر نوشت»، در فصل های پیشین خود برندسازی کرده و در فصل چهارم از همان ابتدا جای خود را در میان مخاطبان باز کرده بود.

مخاطب ترین سریال های تلویزیون، از سوی رسانه ملی معرفی شد. سریالی صمودی سلطانی، روح اله صدیقی و سارا خسرو آبادی در چهار فصل ساخته و عرضه محمدرضا خردمندان و فصل دو آن بر عهده علیرضا بذرافشان بود و بی، سید مهر داد ضیایی، در هر چهار فصل آن نقش آفرینی کردند. محوریت سریال کیسان دیباچ و «نغمه» با هنرمندی فاطمه بهار مست بود که در سه فصل می کشیدند که جوان و نوجوان امروزی علاقه بسیاری به این دست داستان ها داشتند. «از سر نوشت»، روایت دو پسر بچه ای است که فصل اول را در پرورشگاه و روایتی تلخ و شیرین از این استقلال و روی پای خود ایستادن را در قاب دوربین پور سرخ، شبنم فر شادجو، علیرضا استادی، رضا بنفشه خواه و... نیز در می بینیم. بهانه ای شد که پای صحبت های محمدرضا خردمندان و مجید واشقانی با

شدیم دوباره از نوبه دنبال بازیگر جایگزین باشیم. شاهرستمی اینگونه به کار اضافه شد و ما مجبور شدیم تمام سکانس هایی را که با دهشت قبلی گرفته بودیم، با شاهر تکرار کنیم. بعضی از سکانس ها را هم به دلیل از دست دادن لوکیشن نمی توانستیم تکرار کنیم که مجبور شدیم برای کاراکتر قبلی اسمی دیگر را انتخاب کنیم و برایش قصه ای بسازیم. کاراکتر دلبر در پرورشگاه از همین جا آمد.

**فیلمبرداری سریال یک سال به طول انجامید. طولانی شدن روند فیلمبرداری اغلب باعث ایجاد مشکلاتی در حفظ راکورد راش های گرفته، می شود. شما با چنین چالشی روبه رو نبودید؟**

طولانی بودن روند فیلمبرداری باعث می شد در حفظ راکورد ها دچار چالش های جدی شویم. برای مثال مدل ریش بازیگر در این ایام ممکن است تغییر حالت بدهد یا برای مثال وقتی از یک لوکیشن به لوکیشن دیگری می رفتیم و چندماه بعد دوباره به آن لوکیشن برمی گشتیم می دیدیم تمام لوکیشن رنگ شده و دکورش به هم ریخته است. حالا باید دوباره لوکیشن را به حالت اول برمی گردانیم. یا برای مثال در فصل زمستان درختان پرورشگاه خشک است اما در تابستان پر از درخت و شما هیچ چاره ای ندارید.

**مجید واشقانی:**  
**بازیگر باید قدرت نزدیک شدن به هر نقشی را داشته باشد**